

مقایسه ی سره نویسی و نثر فنی از دیدگاه زبان

قدرت قاسمی پور^۱، مجتبی قیصری^۲

^۱ دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد ادبشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

جنبش سره نویسی جنبشی است که پس از انقلاب مشروطه در ایران پدیدار شد و نثر فنی سبکی است در نویسندگی که مربوط به قرن ششم هجری است. میان شیوه سره نویسی و نثر فنی، همانندیها و تفاوتیهایی وجود دارد که یادآوری آنها موجب شناخت بهتری از فراز و فرودهای زبان پارسی در گذر سده های دراز است. از جمله این همانندیها می توان به بکار گیری واژه های دشوار و کهنه یا بیگانه، کاربرد جمله های گنگ و دیریاب، کاربرد افعال به شیوه نامناسب، کاربرد مترافات، کاربرد سجع و تخصصی کردن زبان و از جمله تفاوتها می توان به تفاوت نوع تأثیر گذاری، زمینه های متفاوت پیدایش، برخوردهای متفاوت با متن های گذشته اشاره کرد.

واژه های کلیدی: سره نویسی، نثر فنی، واژگان زبان، کاربرد افعال، جمله بندی.

۱- مقدمه

زبان فارسی امروز بازمانده ی زبانی بسیار کهن است که در طول تاریخ خود واژه های بسیاری به آن وارد شده و یا از آن رخت بر بسته اند. با این وجود بخش بزرگی از دستور زبان فارسی امروزی و واژگان آن وابسته به زبان های فارسی میانه و فارسی کهن می باشد. زبان فارسی در طول تاریخ دچار دگرگونی های بسیاری شده است و یکی از دلایل این دگرگونی پیوند نزدیک ایرانیان با مردمان دیگر سرزمین ها، از جمله یونان و هند می باشد. عامل دیگر دگرگونی زبان فارسی شکست ایرانیان در برابر اعراب و مغولان و فتح ایران به دست این اقوام بوده است. این شکست ها موجب شد تا بسیاری از واژگان زبان های بیگانه به زبان فارسی وارد شود و آسیبهای زیادی بر این زبان وارد کند. از نخستین کسانی که به پاسداری از زبان فارسی و فرهنگ ایرانی برخاست، می توان به فردوسی طوسی اشاره کرد، که در طول تاریخ سرمشقی برای همه ی کسانی شد که در راه پاسداری از زبان فارسی گام برداشتند.

در دوران معاصر نیز همزمان با ارتباط ایرانیان با کشورهای غربی و کسب علوم و فنون از سوی این کشورها، خواه و ناخواه واژگان بیگانه ی بسیاری به زبان فارسی وارد شد که اغلب این واژگان مربوط به علوم و فنون سده های اخیر می باشد. امروزه این واژگان نیز در کنار واژگان ترکی، مغولی و عربی در زبان فارسی خود نمایی می کند. "همگام با تحولات صنعتی در ایران و گسترش روابط با کشورهای غربی، لغات و اصطلاحات بیگانه، با این تصور که برای فلان لغت یا اصطلاح فرنگی معادلی وجود ندارد و گاه هم برای اظهار فضل در زبان فارسی رواج یافت" (علوی، ۱۳۸۵: ۱۳۹).

سره نویسی جریان ادبی است که از اوایل قرن بیستم با تأکید بر پیرایش زبان فارسی در میان نویسندگان پارسی زبان پدیدار شد "مهمترین عامل اوج گیری آن تأکید بر شکوه و عظمت ایران باستان، وطن خواهی و علاقه ی بعضا افراطی به زبان فارسی بود که به زدودن عناصر زبانی بیگانه بویژه زبان عربی منجر شد" (نیکو بخت، غلامحسین زاده، رنجبران، ۱۳۹۰: ۱۵۲). و از چهره های برجسته ی آغازگر این شیوه نوشتن می توان به احمد کسروی اشاره کرد که چندین کتاب به این شیوه نگاشت. این جریان با هدف هایی همچون برکشیدن زبان پارسی، ساده کردن نثر، پیراستن زبان از واژه های بیگانه، بدست دادن شیوه های درست و آسان فهم برای همگان پا به میدان نهاد و در سالهای بعد، نمونه ای برای برخی از نویسندگان، همچون استاد میرجلال الدین کزازی گشت؛ اما اگر به آثاری که با این شیوه نگاشته شده است بنگریم پی می بریم که به دلایل گوناگون چه آغازگران و چه پیروان آنها، در کار خود توفیق چندانی نداشتند و شیوه ی آنان با استقبال چندانی مواجه نشد؛ چرا که نویسندگان این شیوه نیز همانند نویسندگان نثر فنی، در کار خود راه زیاده روی را پیش گرفتند و اگر چه آثاری در ادبیات پارسی از خود بجا نهادند اما شیوه آنان هیچگاه روشی پایه در نویسندگی نشد و همواره در کنار این شیوه، روش نگارش معمول پارسی با بکاربردن متعادل زبان پارسی جریان داشته است؛ همچنانکه در کنار کتاب *تاریخ جهانگشای جوینی و نفثه المصنوع* و *تاریخ و صفای*، کتاب *گلستان سعدی* به عنوان نمونه ساده نویسی خودنمایی می کند که در قرن هفتم، قرن اوج نثر فنی، نگاشته شده است.

نثر فنی سبکی در نویسندگی است که در قرن ششم هجری آغاز شده است. هر چند زمینه های پیدایش این سبک به پیش از قرن ششم باز می گردد اما به هر روی، ظهور و بروز آثار مهم این سبک به قرن ششم باز می گردد. نثر فنی سبکی است که کتاب های بسیاری به آن سبک نوشته شده است و زمینه های مختلفی داشته است و نویسندگان، در رشته های گوناگون به این شیوه نوشته اند؛ برای نمونه در رشته های تاریخ نویسی، ادبیات و مذهب. در این دوره جریانی پا گرفت که نویسندگان آن به برگردان کتاب های دوره های گذشته به نثر فنی همت گماردند که کتاب *کلیله و دمنه* از موفق ترین آنها است. از ویژگی های این سبک می توان به این موارد اشاره کرد: کاربرد بسیار سجع و موازنه؛ اقتباس از آیات و احادیث؛ درج و تضمین امثال و اشعار عربی و فارسی؛ جناس و مراعات نظیر.

۲- شباهت میان سره نویسی و نثر فنی

۲-۱- کاربرد واژگان غریب

گفتیم که از همانندیه‌های این دو شیوه‌ی نگارش، زیاده‌روی نویسندگان است؛ در نثر فنی، این زیاده‌روی، در کاربرد واژگان عربی و اصرار بر بکارگیری واژگان دور از ذهن و کم‌کاربرد است. برای نمونه به واژه‌های عوار، کودن، مهلهل و مفوف در این جمله از جرفازقانی، از نویسندگان نثر فنی توجه کنید: «و عیار این کلمات را اصلاحی و عوار این ترهات را اصلاحی ظاهرگردد و معلوم شود که اگر چه کودن پارسیم حرون است، مرکب تازیم خوشرو است و اگر چه کسوت مهلهل عجمه‌ام خلق است، حله مفوف عربیتم نیک نو است» (نقل از شمیسا، سبک‌شناسی نثر: ۱۵۸).

گرایش به این شیوه بدان جهت بود که نویسندگان آن، برای زبان عربی ارزش بسیاری قائل بودند و بکارگیری واژه‌های این زبان را نشان فضل خود می‌دانستند؛ چنانکه خود نیز در نوشته‌هایشان این مطلب را به آشکاری بازگفته‌اند. جرفازقانی، مترجم تاریخ یمینی می‌گوید: «اهل خبرت و معرفت دانند که در لغت عجم مجال زیادتی تأنقی نیست... عرصه عربیت فسحتی تمام و اتساعی کامل دارد» (ترجمه تاریخ یمینی، ۱۳۷۴: ۱۰). استاد شمیسا در این باره می‌گوید: «در کتب مهم این دوره مشاهده می‌شود که ادیبان، خواسته و ناخواسته پذیرفته‌اند که هنر نزد عرب است و بس و فضل و عربی‌دانی با هم مساوی است» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

همین نگاه در جریان سرهنویسی نیز رواج دارد؛ با این تفاوت که در شیوه سرهنویسی، نویسندگان در بکاربردن واژگان پارسی و دوری از بکارگیری واژه‌های غیرپارسی پافشاری دارند؛ هرچند این واژگان در زبان معمول، کم‌کاربرد، دیریافتنی و مرده باشند. برای نمونه به واژه‌های سهش، آهنگ، شوند و آمیغ در عبارتهای زیر از کتاب صوفیگری توجه کنید: «آنگاه ناچاری است که سهش‌های آنان آلوده گردد؛ ناچاری است که آهنگ‌هاشان سست باشد» (کسروی، ۱۳۳۷: ۴). «صوفیگری یکی از شونده‌های این توده بوده و هست» (همان: ۱۶). «آن راهش شناختن معنی راست آدمیگری و دانستن آمیغ‌های زندگانی است» (همان: ۲۰).

گاهی نیز نویسندگان بجای یافتن واژه‌ی معادل برای واژگان غیر پارسی، خود واژه‌ای می‌سازند و بجای آن بکارمی‌برند که در بیشتر موارد، واژه‌ی ساخته‌شده، بسیار بیگانه‌تر از واژه‌ی بیگانه‌ی معادل می‌باشد: «می‌باید از دانش‌آگاهی و دانش‌باوری (علم‌الیقین)، از چشم‌آگاهی و چشم‌باوری (عین‌الیقین) گذشت و به دل‌آگاهی و راست‌باوری (حق‌الیقین) رسید» (کزازی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۲۰۰).

جالب است که برای نمونه، کسروی کتاب صوفیگری خود را در نقد اجتماعی آیین تصوف نوشته‌است و به ضرورت، کتابی که برای مطالعه‌ی عموم نوشته می‌شود باید با زبانی آسان‌فهم و روان نوشته‌شود تا خوانندگان طبقات گوناگون اجتماع، که همگی از سطح دانش بالایی برخوردار نیستند بتوانند آنرا بخوانند و دریابند. کتاب جرفازقانی نیز ترجمه تاریخ عتبی است و متن ادبی صرف نیست. همچنین از نویسندگان اخیر سرهنویس می‌توان به استاد کزازی و کتاب ویرایش و گزارش شاهنامه‌ی او، *نامه باستان*، اشاره کرد که اگر چه این کتاب برای آسان‌فهم کردن شاهنامه و گزارش ابیات آن نوشته شده است؛ اما در بسیاری جاها با واژگانی پارسی غریب بر می‌خوریم که مایه سردرگمی خواننده و بهره‌نبردن از محتوای پربار آن می‌شود: «خرد در این کردار و رفتار خویش، دو شیوه را کار می‌گیرد: یا پدیده‌ی فروری و فراسویی و درونی را که هیچ نمود و بازتابی در جهان برون ندارد، پیکر می‌بخشد؛ یا آنرا نمادینه می‌گرداند» (کزازی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۰۰). همچنین ایشان حتی به ترجمه نامهای خاص نیز همت گماشتند و برای نمونه، نام خاص شیخ الاشراق را فرزانه‌ی فروغ، و حکمت اشراق را فرزانی فروغ ترجمه کرده‌اند که کاریست غریب و خواننده‌ای که با این واژه‌ها آشنا نباشد هرگز به منظور نویسنده پی نخواهد برد.

۲-۲- کاربرد نادرست افعال

یکی دیگر از زمینه‌های مقایسه نثر فنی و سرهنویسی، شیوه کاربرد افعال است. برای نمونه نویسنده تاریخ جهانگشا در جمله‌ی زیر ماضی نقلی را به طریق التفات، عطف به ماضی مطلق یا ماضی بعید می‌آورد یا بعکس: «به وطن و خانه، او را به رجعت باعث گشت؛ بلکه قضای آسمانی محرز. به فرغانه رسید و در قصبه‌ی ارس، در مزارات آن چند سال ساکن شده و از

احوال باخبر، به هر وقت به جانب خجند می‌رفت. چون پسر را دیده است که با سیورغامیشی از حضرت باتو، املاک و اسباب پدرش بدو مفوض فرموده‌اند» (خاتمی، ۱۳۹۲: ۱۶). در این عبارت که بنای آن بر ماضی مطلق است یکبار ماضی نقلی آورده و در ادامه، مضارع اخباری، و باز ماضی نقلی و ماضی مطلق بکار برده است. این نوع جمله‌بندی، پیش از نویسنده آن رسم نبوده و پس از او نیز کسی از آن پیروی نکرده است.

همین شیوه کاربرد نابجای افعال را در میان سره‌نویسان نیز می‌توانیم ببینیم. البته سره‌نویسان می‌کوشند تا بخلاف قواعد حاکم بر زبان، تنها به شیوه کاربردهای کهن افعال توجه کنند. در کتاب *تاریخ مشروطه‌ی ایران* آمده است: «در نتیجه‌ی این هنایش او در خوانندگان بود که به پراکنده شدنش در میان ایرانیان خرسندی نمی‌دادند و تا دیرگاهی مردم آنرا در نهان خواندندی» (کسروی، ۱۳۴۹: ۴۵). نمونه دیگری از کتاب صوفیگری: «و ما توانستیم بگوییم خواستش جدا بودن روان از جان می‌باشد» (کسروی، ۱۳۳۷: ۹). همچنین استاد کزازی در کتاب *نامه باستان* آورده است: «همین نکته خدانشاختی در این بیت دیگر نیز که در پاره‌ای از برنوشته‌های شاهنامه نگاشته‌آمده است، بازنموده شده است» (کزازی، ۱۳۹۲: ۲۰۲).

۲-۳- کاربرد جمله‌های پیچیده

ویژگی دیگر، کاربرد جمله‌های پیچیده و دیرپاب است. این مسئله در نثر فنی بیشتر به علت کاربرد صنایع ادبی و کوشش در تزئین کلام بوده است و در پارسی سره به علت پافشاری بر بکارگیری واژه‌های کهنه و مرده پارسی می‌باشد. نمونه‌ای از وجود این اشکال در نثر فنی از تاریخ جهانگشا: «این مسخره را اندیشه سفری افتاد، نه راحله و نه زاد او را. حریفان به اتفاق توزیعی کردند و درازگوشی خرید تا روان شد. بعد از سه سال در بازار می‌روم، خواجه‌ای را می‌بینم با خیل و خیول» (خاتمی، ۱۳۹۲: ۲۰).

نمونه‌ای از پارسی سره: «واژه‌ی راز در این بیت واژه‌ای است بنیادین و نهادین، که به شیوه‌ای شگرف همه باورشناسی شیعی که پایه آن بر پیشوایی و دوستداری خاندان نهاده شده است در آن گرد آمده است و فرو فشرده» (کزازی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۴۵). اگر بخواهیم همین جمله استاد کزازی را بی کاربرد واژگان بیگانه به زبان پارسی امروز بنویسیم می‌توانیم بگوییم: واژه راز در این بیت واژه‌ای کلیدی و ریشه‌ای است که همه باورشناسی شیعی که بر دوستداری و پیشوایی خاندان پیامبر پایه گذاری شده، به شیوه‌ای فشرده در آن گرد آمده است.

البته شباهت‌های دیگری نیز میان این دو شیوه‌ی نگارش وجود دارد؛ همانند شیوه‌ی جمله‌بندی‌های غریب؛ بکاربردن موازنه و سجع‌های پی‌درپی؛ آوردن ترکیبات بلند دیرپافتی؛ کاربرد جناس؛ اطناب بیجا؛ مراعات نظیر و ... که این موارد را در کتاب‌های نثر فنی به فراوانی می‌توان یافت. در میان سره‌نویسان امروز، استاد کزازی به این موارد علاقه‌ی بسیار نشان داده است. استاد قهرمان شیرازی در مقاله‌ای به دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری نثر فنی اشاره کرده است که برخی از آن دلایل و زمینه‌ها، با دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری سره‌نویسی امروز مشابهت دارد. از آن جمله، یکی دلایل سیاسی است که هم در پیدایش نثر فنی تأثیر داشته است و هم در دوران معاصر و با جهتی دیگر، موجب پیدایش سره‌نویسی شده است. از دلایل سیاسی دوران معاصر می‌توان به ناسیونالیسم قرن بیستمی دوران مشروطه و پهلوی اشاره کرد که همزمان با رشد ناسیونالیسم در ایران، منطقه، و بسیاری از کشورهای دیگر بوده است. از دلایل دیگر ذکر شده‌ی استاد شیرازی، تحولات تاریخی است که در مورد پیدایش سره‌نویسی در ایران نیز همانند پیدایش نثر فنی تأثیرات بسیاری داشته است. دلیل دیگر، پسند زمانه است که در دوران نثر فنی، گروه بسیاری علاقه‌ی بسیار به این شیوه نشان می‌دادند؛ همچنانکه در دوران رضاشاه نیز بسیاری از نویسندگان علاقه‌ی بسیار به پارسی‌نویسی نشان دادند که موجب ایجاد زبان پارسی معیار امروزی گردید (شیرازی، ۱۳۸۹: ۷۹-۷۷).

۲-۴- تخصصی بودن شیوه‌ی نگارش

البته ممکن است علت این مسئله آن باشد که بیشتر کسانی که به کار سره کردن زبان پارسی علاقه نشان می‌دهند، تخصص زبان‌شناسی دارند و دانش آنان در زمینه‌ی زبان‌شناسی و آشنایی با پهنه‌ی زبان پارسی باستان موجب می‌شود تا بکوشند واژه‌هایی از آن زبان را بکار گیرند یا واژگان تازه‌ای بسازند. برای نمونه، سید احمد کسروی تخصص زبان‌شناسی داشت و به چند زبان زنده و مرده تسلط داشت. همچنین استاد کزازی نیز از استادان چیره‌دست زبان‌شناسی است. نویسندگان نثر فنی نیز تسلط بسیار بر زبان عربی و پیچیدگی‌های آن داشتند؛ چنانکه بیشتر آنها متن‌ها یا شعرهایی به زبان عربی نوشته‌اند. در اینجا ذکر این نکته بی‌فایده نیست که این گرایش به زبان و ادب عرب، مخصوص طبقه‌ی دبیران و شاعران و به طور کلی فضلا بود نه مردم عادی» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۵۹).

۳- تفاوت‌های نثر فنی و سره نویسی

باید گفت که هیچ سبکی و هیچ شیوه‌ای در ادبیات تهی از فایده و زیبایی نیست و اگر به آثار نثر فنی بنگریم می‌بینیم که در میان این آثار، کتابهای نامدار و سودمندی همانند کتاب فاخر کلیله و دمنه خودنمایی می‌کند و سره‌نویسی امروز نیز، خود جنبشی است که در آغاز، واژگان پارسی بسیاری را بخوبی جایگزین واژه‌های بیگانه کرده است. بطور مثال انجمن لغت سازی ارتش در دوران پهلوی حدود سه هزار واژه به زبان فارسی وارد کرد. "این نهاد با برخورداری از حمایت دولت پهلوی در مدت زمان یک سال توانست بالغ بر سه هزار واژه‌ی معادل وضع کند که اغلب درست و منطبق بر روش صحیح واژه‌گزینی بود و به سرعت شایع شد" (نیکو بخت، غلامحسین زاده، رنجبران، ۱۳۹۰: ۱۵۸). جنبش سره‌نویسی، در آغاز، کوششی برای برکشیدن زبان پارسی و بهتر رساندن مطلب نویسنده به خواننده بوده‌است؛ اما اندک اندک به شیوه‌ای برای نگارش فارسی ناب و سره تبدیل شده است که این کاری است ناممکن؛ چه در زبان پارسی، چه در زبانهای دیگر؛ اما به هر روی میان این دو شیوه می‌توان تفاوت‌هایی قائل شد و در بسیاری موارد دید که این دو شیوه، رودرروی یکدیگر جای دارند.

۳-۱- نوع تأثیرگذاری

اگر چه این دو شیوه‌ی نثرنویسی همانندی‌هایی دارند اما تأثیر یکسانی بر زبان نداشته‌اند؛ چرا که شیوه‌ی نثر فنی، با وارد کردن واژه‌ها و ترکیب‌های بیگانه به زبان پارسی، آنرا دچار فساد کرد که دامنه‌ی آن تا امروز نیز بر جای است و به این زودپها از میان نخواهد رفت. در واقع پس از آنکه زبان فارسی در قرن‌های اولیه پس از اسلام با نوشتن آثاری مانند تاریخ بیهقی، تاریخ بلعمی و قابوسنامه به شکوفایی رسیده بود ناگهان نثر مصنوع و متکلف دامن زبان فارسی را گرفت و از آن پس عربی دانی امتیاز ویژه‌ای شد که نویسندگان نثر فنی به آن فخر می‌فروختند. از این رو در آن روزگار هر چه دشواری و پیچیدگی نثر بیشتر و واژگان عربی آن افزون تر بود سواد نویسنده را بیشتر می‌دانستند. در این دوره نثری وجود دارد که هر چند آن را نثر فارسی می‌نامند اما بیش از نیمی از لغات و اصطلاحات آن به زبان‌های بیگانه از جمله عربی و ترکی است. می‌توان گفت که سره نویسی همانند آفرینش فرهنگستان زبان، واکنشی است دیرهنگام به نثر فنی و جنبشی برای پیراستن زبان از واژه‌های بیگانه و توان‌بخشی و بازسازی زبان پارسی. از جمله اثر ارزشمند فرهنگ واژه‌های فارسی سره نوشته‌ی فریده رازی و نیز آثار پرشمار و گرانبهای استاد کزازی که تلاش‌های ایشان در این راستا بی‌مانند است. درست است که در سره نویسی نیز زیاده‌روی‌هایی وجود دارد؛ اما برای زبان پارسی سودمندی‌هایی به دنبال داشته است و دارد که در نثر فنی وجود نداشت. سره نویسی با برگردان واژه‌ها و کاربرد معادل آنها در گذر زمان دایره‌ی واژگان و ترکیب‌های زبان پارسی را گسترش خواهد داد و خواه و ناخواه واژه‌ها و ترکیب‌هایی را به زبان وارد خواهد کرد که به توانایی و پیراستگی آن خواهد افزود و اگر به متن‌هایی که سره نوشته شده‌اند نیک بنگریم می‌توانیم بگوییم که این متن‌ها جانی دوباره به زبان خواهد داد و همچون پشتوانه‌هایی خواهند بود که به دگرگونی مثبت زبان کمک خواهند کرد. از جمله می‌توان به جایگزین کردن واژه‌هایی همانند دادگستری، دادستان، دبستان و دبیرستان، دانشگاه، آموزش و پرورش و هنرستان اشاره کرد.

۳-۲- بستر پیدایش

تفاوت دیگر، بستر پیدایش نثر فنی و سره نویسی است. از عوامل پیدایش نثر فنی میتوان به خودناباوری و خودباختگی فرهنگی؛ وابستگی حاکمان به دربار خلفا و برتر دانستن ذاتی زبان عربی از زبان پارسی اشاره کرد و به طور کلی می‌توان آنرا غفلت نویسندگان آن شیوه برشمرد حال آنکه سره نویسی محصول نوعی خودباوری، ملی‌گرایی و میهن‌دوستی است و از بیداری نویسندگان آن حکایت دارد.

۳-۳- شیوه ی برخورد با متون گذشته

نثر فنی با گرایش در بکارگیری واژه‌ها و ترکیب‌های عربی که معادل آنها در زبان پارسی موجود بوده و در آثار نظم و نثر قرن‌های چهارم و پنجم به خوبی بکار می‌رفت؛ دایرة زبان پارسی را هر چه تنگ‌تر و تنگ‌تر کرد و بسیاری از این واژه‌ها و ترکیب‌ها در زیر غبار فراموشی رفتند حال آنکه بسیار مناسب بودند و در کتاب‌هایی همچون *قابوس‌نامه* و *کشف الاسرار* به زیبایی بکار گرفته شدند. جنبش پارسی نویسی به وارونه جنبش نثر فنی، می‌کوشد با نظر داشتن به آثار ارزشمند قرن‌های چهارم و پنجم، به زنده کردن آن واژه‌ها و ترکیب‌ها پردازد و نیز می‌کوشد با ترجمه واژه‌های بیگانه، ساختن واژه‌ها و ترکیب‌های تازه، به گستردگی زبان پارسی بیفزاید.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

میان شیوه ی سره نویسی و سبک نثر فنی شباهت‌هایی وجود دارد که یادآوری آن‌ها موجب شناخت بهتری از فراز و فرودهای زبان فارسی در گذر سده‌های دراز است و هم چنین موجب دستیابی به آگاهی بیشتری از این دو شیوه ی نویسندگی می‌شود. از جمله این شباهت‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- کاربرد واژگان غریب: کاربرد واژگانی همانند: عوار، مهلهل، مفوف، حرون و ... در آثار نویسندگان نثر فنی، هم چنین در آثار نویسندگان سره نویسی واژگانی مانند: سهش، شوند، هنایش، آمیغ، آخشیح، فروری و

۲- کاربرد نادرست افعال: برای نمونه در تاریخ جهانگشاه نویسنده گاهی ماضی نقلی را، به طریق التفات، عطف به ماضی مطلق یا ماضی بعید می‌آورد که پیش از او و پس از او بی سابقه است. در سره نویسی نیز برخلاف قواعد حاکم بر زبان امروز گاهی به شیوه ی کهن کاربرد افعال توجه می‌کند. مانند کاربرد "خواندندی" و "دیدندی" به جای "می‌خواندند" و "می‌دیدند" در آثار احمد کسروی.

۳- کاربرد جمله‌های پیچیده: در نثر فنی به علت کاربرد صنایع ادبی و کوشش در تزئین کلام، نیز در فارسی سره به علت پافشاری در بکارگیری واژه‌های کهنه و شیوه‌های کهن نویسندگی، به جملات پیچیده و دیرپاب بر می‌خوریم . میان این دو شیوه همانندی‌های دیگری نیز وجود دارد از جمله بکار بردن موازنه و سجع، آوردن ترکیبات بلند دیر یافتنی، کاربرد جناس و مراعات نظیر. با این همه می‌توان تفاوت‌های اساسی میان نثر فنی و سره نویسی قایل شد. از جمله: تفاوت در نوع تاثیرگذاری هر یک از این دو شیوه بر زبان فارسی، بسترهای پیدایش هر یک از این دو شیوه و نیز روش برخورد هر یک از این دو با متون گذشته.

منابع

۱. جرفاذقانی، ابوالشرف ناصح ابن ظفر. ترجمه تاریخ یمینی. (۱۳۷۴). تصحیح دکتر جعفر شعار، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. خاتمی، احمد. گزیده‌ی تاریخ جهانگشای جوینی. (۱۳۹۲). چاپ اول، نشر علمی، تهران.
۳. رازی، فریده. فرهنگ واژه‌های فارسی سره. (۱۳۸۹). چاپ هفتم، نشر مرکز، تهران.
۴. شمیسا، سیروس. سبک‌شناسی نثر. (۱۳۹۰). چاپ اول، نشر میترا، تهران.
۵. شیری، قهرمان. (۱۳۸۹). نثر فنی دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری، مطالعات زبان بلاغی دانشگاه سمنان. سال یکم، شماره ۲، ص ۸۰-۵۱.
۶. علوی، بزرگ. تاریخ تحولات ادبیات معاصر ایران. (۱۳۸۵). مترجم دکتر سعید فیروزآبادی، انتشارات جامی، تهران.
۷. کزازی، میرجلال الدین. نامه‌ی باستان. (۱۳۹۲). نه جلدی، چاپ هشتم، قم.
۸. کسروی، احمد. صوفیگری. (۱۳۳۷). نشر پایدار، تهران.
۹. کسروی، احمد. تاریخ مشروطه‌ی ایران. (۱۳۴۹). چاپ هشتم، نشر امیرکبیر، تهران.
۱۰. نیکو بخت، ناصر؛ غلامحسین زاده، غلامحسین؛ رنجبران، فاطمه. (۱۳۹۰). علل و عوامل تشدید سره‌گرایی در دوره پهلوی و مهمترین پیامد آن. فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، شماره ۹، سال سوم، ص ۱۷۶-۱۵۲.